

یادداشت

کشورهایی که برای آمریکا خط و نشان می‌کشند



سید محمد کاظم سجادی پور

تحلیلگر مسائل بین الملل

در سی فروردین ماه ۱۴۰۳ برابر با ۱۸ آوریل ۲۰۲۴، شورای امنیت سازمان ملل، شاهد دو رخداد مهم در قضیه فلسطین بود. یکی برگزاری اجلاس بررسی وضعیت فلسطین در سطح وزرا و دیگری وتوی ایالات متحده به عنوان تنها مخالف تأسیس دولت فلسطینی بعد از شش ماه کشتار فلسطینیان مظلوم توسط رژیم صهیونیستی و رسیدن کشته شدگان به بیش از ۳۳ هزار نفر در حالی که نیمی از آنها را کودکان و زنان تشکیل می‌دهند و همچنین در میانه افزایش تنش‌ها توسط رژیم صهیونیستی به منطقه و ایران و پاسخ تاریخی کشور ما، نگاهی به آنچه در سازمان ملل متحد در عرصه دیپلماسی چند جانبه بین‌المللی در مورد مسلمان رخ می‌دهد، در شناخت و درک همه جانبه از ماهیت قضیه کمک‌کننده است. در این راستا، اجلاس اخیر شورای امنیت درخور توجه بوده و به طرح این پرسش می‌انجامد که چگونه می‌توان تحرکات دیپلماتیک در شورای امنیت در قضیه فلسطین را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد؟ در پاسخ باید پدیده‌هایی چون «نبرد دیپلماتیک فلسطین»، «نقش اعضای غیردائم شورای امنیت» و «پیوند ساختاری ایالات متحده و رژیم صهیونیستی» را در کنار هم مورد مذاقه قرار داد. همه نبردها و منازعات، پیوست و یافتاری دیپلماتیک دارند. از مبارزات استقلال خواهانه تا جنگ بین کشورها، نبردهای منطقه‌ای و منازعات جهانی، در کنار آنچه که در صحنه عملیات می‌گذرد، با کشت و واکنش‌های دیپلماتیک در ابعاد مختلف آن پیوند خورده‌اند. قضیه فلسطین که به یک تعبیر، زنده‌ترین مبارزه ضد استعماری در حدود یک سده گذشته است، از این قاعده، مستثنی نیست. حضور دیپلماتیک از ابتدا تا کنون در این قضیه انکارناپذیر و البته مهم و جدی بوده است. مذاکرات حماس از طریق قطر و مصر، بخشی از این کشت و واکنش‌هاست. اما در سطح چند جانبه، فلسطین، پیوسته، برجسته بوده و برجسته مانده است. هرچند که در این عرصه هم، مانند عرصه‌های دیگر فراز و فرود وجود داشته، اما پیوستگی آن قابل توجه بوده است. ولی تردید در این عرصه رژیم صهیونیستی، به رغم حمایت‌های آمریکا، بازانده است. اجلاس اخیر شورای امنیت در مورد فلسطین که با حضور وزیر امور خارجه ایران، برگزار شد و چگونگی رای کشورهای عضو شورای امنیت در پذیرش دولت فلسطینی به عنوان عضو کامل سازمان ملل متحد، جلوه‌ای از این پویایی‌های دیپلماتیک در قضیه فلسطین نیست. این بدان معنی نیست که شورای امنیت، به وظایف خود در قضیه فلسطین عمل کرده است، اما اینکه، همه اعضای دائم بجز، ایالات متحده، رأی به عضویت کامل فلسطین در ملل متحد می‌دهند، موضوع کم اهمیتی نیست، جالب آنکه رأی مثبت برای رژیم صهیونیستی در این عرصه، به نظر می‌رسد، اما همراهی فرانسه جلب توجه می‌کند. رأی متعنع انگلیس و سوئیس هم در خور دقت است، اما شاید جالب‌تر رأی سه کشوری است که در تقسیم‌بندی‌های سازمان مللی در اردوگاه غرب جای دارند یعنی ژاپن و کره جنوبی و اسلوانی. هرچند که ماهیت دولت فلسطینی و چگونگی وضعیت حال و آینده آن، بسیار مناقشه‌انگیز و پرچالش است، اما همراهی جهانی این اردوگاه دیپلماتیک، به نوبه خود گامی جهانی علیه رژیم صهیونیستی است. در این نبرد دیپلماتیک، نقش اعضای غیردائم شورای امنیت را باید مد نظر قرار داد. این دو جلسه، یعنی جلسه بررسی وضعیت فلسطین در سطح وزرا و رأی آگیری در مورد عضویت کامل فلسطین، در دوران ریاست دوره‌ای مالت انجام می‌گیرد. مالت کشوری کوچک، اما در حد خود، اثرات بزرگی در دهه ۶۰ میلادی قرن بیستم، از طریق سفر و نماینده دائم خود در سازمان ملل که مالت را در کنفرانس سرنوشت‌ساز و مؤثر حقوق دریاها نمایندگی می‌کرد، مفهوم «میراث مشترک بشریت» برای زیر بستر اقیانوس‌ها، وارد حقوق بین‌الملل کرد و در حال حاضر هم از مسئولیت اعضای غیردائم شورای امنیت سخن می‌گوید. از سوی دیگر، عضو دائم غیردائم شورای امنیت، الجزایر، نقشی قابل تقدیر در زنده نگاه داشتن صدای فلسطین در سازمان ملل متحد و شورای امنیت آن ایفا کرده است. الجزایر، در کنار فراز و فرودهای چندین دهه گذشته، عنصر دیپلماتیک پایدار در دفاع از فلسطین بوده است. البته وتوی ایالات متحده آمریکا، نقطه تاریک دیگری در تاریخ محاسبات و واشنگتن با فلسطین و منطقه است. این وتو، با پایداری ایالات متحده در حمایت از رژیم صهیونیستی را به نمایش می‌گذارد. از ابتدای تأسیس رژیم صهیونیستی و واشنگتن نه فقط به تل‌آویو، اسلحه و کمک‌های نظامی کرده است، بلکه پیوسته حمایت دیپلماتیک آمریکا، مانعی در صحنه نبردی دیپلماتیک و تحقق اهداف فلسطینی‌ها بوده است. وتوی اخیر آمریکا، تقریباً به طور اجتماعی، مورد انتقاد جهانیان قرار گرفت. حماس، شدیدا آن را محکوم کرد و بجز رژیم صهیونیستی، هیچ کشوری دیپلماتیک دیگری را یاری حمایت از آن نبود. شاید از همه جالب‌تر، سخنان نماینده آمریکا در اجلاس شورای امنیت باشد که گفت که عضویت کامل فلسطین نه در اینبار بلکه باید از رهگذر بین فلسطینی‌ها و صهیونیست‌ها، حل شود. این سخنان، به یک تعبیر توخالی‌ترین اظهارات دیپلماتیک است که ذره‌ای از شرم بین‌المللی ایالات متحده نمی‌کاهد. حمایت همه جانبه واشنگتن از رژیم صهیونیستی را نمی‌توان صرفاً با دلایل سیاست خارجی و امنیت ملی توضیح داد. مسائل مربوط به حمایت از رژیم صهیونیستی، ریشه در سیاست داخلی آمریکا دارد. سازه و سامانه قدرت در داخل آمریکا، طی زمان پیوندهای آمریکا و رژیم صهیونیستی را ساختاری کرده است. اما آنچه درخور توجه است نشانه‌هایی در ایجاد ترک در این ساختمان حمایت آمیز در حال هویدا شدن است. مردم و جامعه مدنی آمریکا هم متأثر از بزواک ناله‌های زنان و کودکان فلسطینی در شش ماه گذشته‌اند. در کمتر زمانی حمایت مردمی از فلسطین، نه فقط در آمریکا، بلکه در تمام جوامع مدنی جهان منجمله جوامع غربی، در این سطح بوده است و جالب آنکه فلسطینیان به اهمیت این عرصه زیستی دیپلماسی عمومی در نبرد همه جانبه خود با رژیم صهیونیستی بیش از هر زمان دیگر واقف هستند.

«آرمان ملی» سقوط جهان تک قطبی را بررسی می‌کند؛

رقبایه صف شده‌اند

چین، روسیه و ایران در اندیشه تشکیل بلوک جدید قدرت



آرمان ملی - احسان اسقایی: جهان امروز از دیدگاه غربی‌ها، جهانی تک قطبی است. راس این جهان ایالات متحده آمریکا قرار گرفته و تلاش دارد با شرکای خود در چهارسوی جهان تئوری‌های امنیتی خود را در سرتاسر کره خاکی به منظور یگانه ماندن نگاه لیبرال دموکراسی به جهان استمرار دهد. هرچند جهان برای پذیرش این دیدگاه بعد از فروپاشی بلوک شرق آماده می‌شد و با گسترش ناتو به شرق تلاش شد حتی روسیه را هم واردار به پذیرش منطق جدید در اداره جهان کنند، اما بعدها تحولات در خاورمیانه، تمایل روسیه به گرفتن جایگاه شوری در معادلات قدرت در جهان، تمایلات ضدنظم نوین جهان در ایران، بیکه تازی موشکی کره شمالی و قدرت وحشتناک اقتصادی چین باعث شد محافل فکری در ایالات متحده آمریکا به این نتیجه برسند که حتی دوران جهان تک قطبی نیز به سرآمده است و جهان درحال حرکت به سمت چند تک قطبی است. از این منظر آمریکایی‌ها تلاش کردند در تئوری جهان تک قطبی تغییراتی ایجاد کرد و با پذیرش جهان چند قطبی عملاً به سمت رهبری قدرت امنیتی در جهان حرکت کنند. به طوری که اروپا و روسیه را در کنار هم داشته باشند، حتی ایران را در کنار روسیه داشته باشد و خاورمیانه را حتی با قدرت سخت تهران به سمت خواسته‌های امنیتی خود حرکت دهد. آرمن‌تاز تئوری این جهان چند قطبی را در آمریکا بافت، جو بایدن معاون رئیس جمهور وقت آمریکا آن را با دستور باراک اوباما به منصفه ظهور رساندن تا با این طرح آمریکا همچنان بتواند در جهان قدرت اول باشد، اما همین تئوری در درون هیات حاکمه آمریکا در دوران ترامپ بر زمین خورد بعدها نیز دیگر اثری از تلاش آمریکا برای استفاده از قدرت نرم خود به منظور اجرای تونل‌های امنیتی در جهان بر اساس باورهای آمریکا دیده نشد و هم‌اکنون نیز ایالات متحده آمریکا بعد از حمله روسیه به اوکراین، قدرت نمایی حماس در برابر اسرائیل و موشک پراکنی تهران علیه تل‌آویو عملاً در یک محیط پیچیده گرفتار آمده و تنها در حال اجرای سیاست‌های نخ نمای تحریمی علیه مسکو، تهران، پیونگ یانگ و به صورت غیر رسمی علیه پکن است.

تهران و مسکو و جنگ اوکراین
هرچند روس‌ها و چینی‌ها هیچ‌گاه در عمل اعلام نکردند که منطق آمریکایی را نمی‌پذیرند اما تهران همواره تأکید کرده است که نه تنها این منطق را نخواهد پذیرفت بلکه در برابر آن طرح‌هایی دارد. بعداً روس‌ها که به این درک رسیدند که آمریکایی‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که رفته رفته روسیه را در حلقه محاصره ناتو قرار دهند در برابر این طرح ایستاد و تلاش نمودند برخی از مناطق جدا شده از شوروی سابق را به خاک خود ضمیمه کنند. بعدها که پوتین به نتیجه رسید که تصمیم آمریکا و اروپا جدی و قطعی است به طریحی را در انداخت که از عضویت اوکراین در ناتو جلوگیری کند. از این رو به اوکراین حمله کرد هرچند برخی معتقدند که غربی‌ها به رهبری آمریکا در انتظار این اقدام مسکو بودند تا تحریم‌های فلج‌کننده را علیه روسیه به تصویب و به اجرا در آورند اما واقعیت آن است که مسکو نیز به هیچ وجه از اقدامش علیه اوکراین کوتاه نیامده و حتی به تاگی در خاک اوکراین پیشروی هم کرده است. ایران البته در اینجا چون صراحتاً خود را در بلوک بندی شرق دسته بندی کرده بود در جنگ اوکراین از حمله روسیه حمایت کرد و البته هزینه آن را هم با تحریم‌های اروپایی و آمریکایی پرداخت کرد تا بتواند در آینده تقسیمات قدرت در جهان نقش اساسی ایفا کند.

چین وارد درگیری نمی‌شود اما...

چین البته از ابتدا نه مانند ایران صراحتاً اعلام کرده که منطق لیبرال دموکراسی را نمی‌پذیرد و نه مانند روسیه دست به اقدامی زد که در برابر غرب به مثابه یک دشمن تلقی شود. چین هر چند تنه به تنه آمریکا در جنگ تعرفه‌ای در دوران ترامپ زداما کوشید باروی کار آمدن جو بایدن کدورت‌های خود با آمریکا را حل کند. به طوری که حتی شی جین‌پینگ در پکن میزبان نوام جامسکی شد، وزرای خارجه چین و

تحولات در خاورمیانه، تمایل روسیه به گرفتن جایگاه شوری در معادلات قدرت در جهان، تمایلات ضد نظم نوین جهان در ایران، بیکه تازی موشکی کره شمالی و قدرت وحشتناک اقتصادی چین باعث شد محافل فکری در ایالات متحده آمریکا به این نتیجه برسند که حتی دوران جهان تک قطبی نیز به سرآمده است و جهان درحال حرکت به سمت چند قطبی است. از این منظر آمریکایی‌ها تلاش کردند در تئوری جهان تک قطبی تغییراتی ایجاد کرد و با پذیرش جهان چند قطبی عملاً به سمت رهبری قدرت امنیتی در جهان حرکت کنند، به طوری که اروپا و روسیه را در کنار هم داشته باشند، حتی ایران را در کنار روسیه داشته باشد و خاورمیانه را حتی با قدرت سخت تهران به سمت خواسته‌های امنیتی خود حرکت دهد

دوشنبه

۱۴۰۳ • ۰۲ • ۱۰

۲۰ شوال ۱۴۴۵ / ۲۹ آوریل ۲۰۲۴

سال هفتم
شماره ۱۸۱۷
armanmeli.ir

ذره بین

پشت پرده ابتکار عربی سلطان

رجب طیب اردوغان در جست‌وجوی تعریف ابتکار عملی تازه در امور منطقه‌ای است، آن هم در شرایطی که بحران غزه در حال تبدیل شدن به یک درگیری گسترده‌تر در منطقه است. امروز اردوغان سیاست خارجی حول محور «مشکلات صفر با همسایگان» را دنبال می‌کند و با این رویه رئیس‌جمهوری این کشور توانست ۲۲ آوریل اولین سفر رسمی‌اش در سیزده سال گذشته به عراق را کلید بزند. ترکیه و عراق ممکن است همسایه باشند، اما روابطشان همیشه در نوسان بوده است. سفر اردوغان به عراق که از سال گذشته به تعویق افتاد، مطمئناً بر دستاوردهای دوازده‌روزه در روابط دوجانبه استوار است و در شرایطی انجام شده که ایران و اسرائیل رویارویی بی‌سابقه‌ای را تجربه کردند.

خیز اردوغان برای ترسیم فصل تازه با بغداد

در جریان سفر اردوغان به عراق، یک توافقنامه استراتژیک امضا شد که در چارچوبش طیف وسیعی از موضوعات از همکاری‌های امنیتی تا اقتصادی تعریف شده است. این نقطه اوج دیدارهای سطح بالای سازنده بین دو طرف است. علاوه بر این، اولین سفر اردوغان به عراق از سال ۲۰۱۱ زمین را برای امضای توافقنامه اولیه کلیدی بین ترکیه، عراق، امارات و قطر هموار کرد؛ تغییری که می‌تواند معاملات منطقه‌ای متحول کند. محمد السودانی، نخست‌وزیر عراق و رجب اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه در یک کنفرانس مطبوعاتی مشترک در بغداد با هدف ایجاد چارچوب‌های لازم جهت اجرای پروژه‌راه‌توسعه راهبردی، تفاهم‌نامه چهارجانبه‌ای را با ترکیه، قطر و امارات متحده عربی امضا کردند و متعهد شدند که چارچوب‌های لازم را برای اجرای پروژه‌تعریف‌کرده و بر روی یک مسیر زمینی بین اروپا و کشورهای همکاری خلیج فارس متمرکز شوند. مراد پروژه جاده‌ای ورلی (۱۷ میلیارد دلاری، جاده توسعه که ۱۲۰۰ کیلومتر (۷۴۰ مایل) در سراسر عراق امتداد دارد و قرار است تا سال ۲۰۳۰ مرز شمالی با ترکیه را به خلیج فارس در جنوب متصل کند. کار روی جاده توسعه در سه مرحله انجام خواهد شد که بازه زمانی آن برای سال‌های ۲۰۲۸، ۲۰۳۳ و ۲۰۵۰ تعیین شده است. مسأله توسعه همچنین شامل پروژه شبکه ریلی است که بندر بزرگ فاو جنوبی عراق را به بندر مرسین ترکیه متصل می‌کند.

عراق در جست‌وجوی برداشتن موانع در مسیر صادرات نفت

در کنار تفاهمنامه پروژه‌راه توسعه، عراق و ترکیه در مجموع ۲۶ تفاهم‌نامه با تمرکز بر همکاری در زمینه‌های کلیدی مانند امنیت آب و انرژی، حمل و نقل و زیرساخت، تجارت آزاد و سرمایه‌گذاری، تحقیقات علمی و پزشکی، آموزش دفاعی و نظامی، همکاری امنیتی امضا کردند. تروریسم نیز در اولویت‌های دو بازیگر قرار داشت. هرچند عراق از عملیات نظامی ترکیه علیه حزب کارگران کردستان (PKK) استقبال کرد. از اواخر دهه ۱۹۷۰، پ‌ک‌ک که به دنبال خودمختاری کردها در ترکیه بوده است. پس از دیپلماسی فشرده ترکیه، عراق رسماً مارس گذشته پ‌ک‌ک را به عنوان یک سازمان تروریستی در رسمیت شناخت. ترکیه و عراق در جدیدترین توافق خود، یک پیمان امنیتی استراتژیک علیه حزب کارگران کردستان (پ‌ک‌ک) و جنبش گولن امضا کردند. سودانی با تأکید بر این موضوع در کنفرانس مطبوعاتی اعلام کرد: ما به کسی اجازه نخواهیم دادیم تا خاک ما به کشورهای همسایه حمله کند و به کسی اجازه نخواهیم داد که حاکمیت ما را نقض کند. می‌توان گفت که توافقنامه امنیتی مقدمه‌ای بود برای تقویت روابط دوجانبه بین بغداد و آنکارا. طبیعتاً عراق به خوبی می‌داند که از سرگیری صادرات نفت این کشور از طریق خط لوله نفت عراق-ترکیه که بیش از یک سال به دلیل اختلافات حقوقی و مسائل فنی تعطیل شده، چقدر با اهمیت خواهد بود. حدود ۴۵ هزار بشکه نفت خام زمانی از مسیر صادرات نفت شمال عراق از طریق ترکیه عبور می‌کرد و سفته‌شدن آن منجر به ضرر ۱۲ تا ۱۳ میلیارد دلاری برای این کشور شده است. علاوه بر این، صادرات نفت قبلاً به طور مستقل توسط اقلیم خودمختار کردستان از طریق بندر جهان ترکیه بدون تأیید یا نظارت دولت مرکزی در بغداد انجام می‌شد. عراق مایل است صادرات نفت شمال خود به ترکیه را با دورزدن خط لوله نفت اقلیم کردستان از سر بگیرد.

سودای سلطان

اردوغان در جریان سفر به عراق بانجیروان بارزانی رئیس اقلیم کردستان و مسرور بارزانی نخست‌وزیر اربیل نیز دیدار کرد. بهبود روابط ترکیه و عراق منوط به روابط بغداد و اربیل است. دولت اقلیم کردستان عراق با ترکیه متحد است و از دهه ۹۰ به آموزش پیشرفته‌ای پرداخته است. اردوغان و سودانی هر دو خواستار پایان دادن به جنگ بی‌رویه اسرائیلی علیه غزه و هم‌چنان کاهش تنش در منطقه خاورمیانه شدند. اردوغان چند روز قبل از سفر خود به عراق در اقدامی دیپلماتیک مهم با اسماعیل هنیه، رئیس حماس در استانبول دیدار کرد. بر اساس گزارش‌ها، در این دیدار بیش از دو ساعت و نیم به طول انجامید که نشان از اهمیت بحث و گفت‌وگو دارد. در این دیدار، هنیه به همراه اعضای کلیدی حماس در کاخ تاریخی دولما باغچه که نمادی از اهمیت این دیدار است، پذیرایی شدند. جزئیات این گفت‌وگوها فاش نشده است، اما این نشست بر تلاش‌های مداوم ترکیه جهت ایفای نقشی برجسته در دیپلماسی منطقه‌ای تأکید می‌کند. هم‌زمان با آغاز جنگ غزه، اردوغان کشورهای غربی را به دلیل رویکردشان نسبت به ایران بلاخض بعد از حمله تروریستی اسرائیل به دمشق به چالش کشید و آنها را به پیروی از استانداردهای دوگانه متهم کرد. با در نظر گرفتن این تحولات و همسویی مجدد تهران و آنکارا، در موضع غرب در قبال غزه، دولت اردوغان، دگرگونی پیوسته‌ای را در سیاست خارجی ترکیه ترسیم کرده است.

واقعیت آن است که اروپا این روزها

نباید خواب داشته باشد، چرا که ترامپ

که شانس قابل ملاحظه‌ای در برابر

باید در انتخابات آمریکا دارد اعلام

کرده که کمک‌های آمریکا به ناتو را

در صورت پیروزی لغو خواهد کرد.

این خبر برای اروپای زخم خورده از

روسیه مانند آن است که همان طور که

پوتین یکباره تصمیم گرفت به اوکراین

حمله کند شاید یک روز در صورت

تضعیف ناتو هوس کند که برای

اروپا هم دردسرهای بزرگ و کوچکی

بیافریند. برخی از تحلیلگران حوزه

روابط بین‌الملل حتی اعلام کرده‌اند در

صورتی که ترامپ رئیس‌جمهور شده و

دست از حمایت از ناتو بردارد به احتمال

زیاد مسکو اروپا را خواهد بلعید

علیه کشورهای غیر همسو با آمریکا حرکت کند. این مورد در آن معناست که اگر چه چین حتی وارد درگیری لفظی با آمریکا نشده اما قدرت نرم خود را عملاً به رخ نیویورک کشیده است.

بلوک بندی جدید قدرت در جهان

واقعیت آن است که اروپا این روزها نباید خواب داشته باشد، چرا که ترامپ که شانس قابل ملاحظه‌ای در برابر بایدن در انتخابات آمریکا دارد اعلام کرده که کمک‌های آمریکا به ناتو را در صورت پیروزی لغو خواهد کرد. این خبر برای اروپای زخم خورده از روسیه مانند آن است که همان طور که پوتین یکباره تصمیم گرفت به اوکراین حمله کند شاید یک روز در صورت تضعیف ناتو هوس کند که برای اروپا هم دردسرهای بزرگ و کوچکی بیافریند. برخی از تحلیلگران حوزه روابط بین‌الملل حتی اعلام کرده‌اند در صورتی که ترامپ رئیس‌جمهور شده و دست از حمایت از ناتو بردارد به احتمال زیاد مسکو اروپا را خواهد بلعید و آلمان این مورد را بسیار جدی گرفته است و حتی برخی اخبار از تصمیمات آبراهام لینکلن تا ۲۰ میلیارد دلاری طی چند سال برای امور نظامی خبر می‌دهند. پیش از این و در سال‌های دور فرانسوی‌ها حتی خواستار تشکیل نیروی واحد نظامی اتحادیه اروپا شده بودند. تمامی این هراس‌ها نشان دهنده آن است که روس‌ها می‌توانند یک ضلع از سه ضلع مقابله با آمریکا و غرب باشند. ایران هم که در اینجا تصمیم خود را از قبل گرفته است. چین نیز به احتمال زیاد با ورود رسمی به منازعه تا یونان همچون برنام‌های که آمریکا برای روسیه برای تحریک مسکو برای حمله با اوکراین گرفت، رسمی تر وارد قطب بندی جدید قدرت در جهان می‌شود. چرا که با ایرانی‌ها و روس‌ها در عمان و خلیج فارس حتی مانور مشترک نظامی برگزار کرده است. از این منظر و حتی به احتمال زیاد در صورت عدم به وجود آمدن مناقشه‌ای در تا یونان چین رفته رفته به سمت همکاری‌های غیر اقتصادی هم با روسیه و ایران خواهد رفت. پیمان نامه‌های اقتصاد جمعی هم که با حضور چین و روسیه و ایران و برخی کشورهای دیگر در جهان تشکیل شده خود بیان‌کننده همین موضوع است از این منظر چه آمریکا و غرب بخواهد و چه نه در آینده نزدیک شاهد تشکیل یک بلوک جدید از قدرت با حضور ایران، روسیه و چین خواهیم بود که اگر آمریکا بخواهد با آن بد رفتار کند می‌تواند به بلوکی در برابر واشنگتن و متحدانش تبدیل شود.